

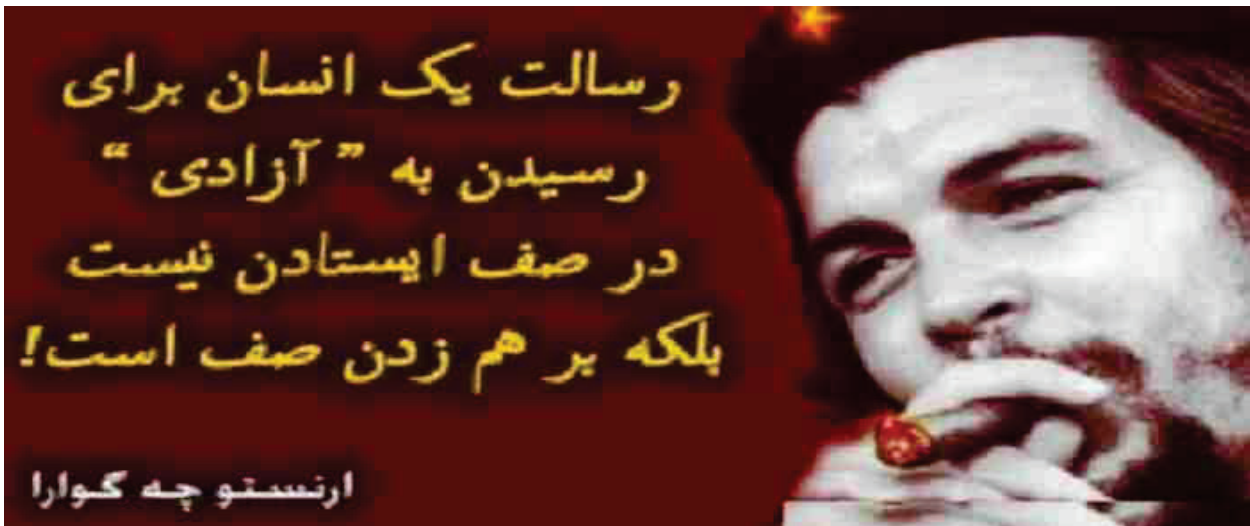
از قهرمان الماس تا قهرمان عیسی !

قهرمان تا قهرمان است !

بیوسته به گذشته قسمت هفتاد و هفتم :



محمد امین فروتن



هنوز شعله های آفتاب بر کویری از جاده ای معروف دارالامان کابل که بنای تاریخی مجلس شورای سابق ملی افغانستان در کنار آن واقع است نه تابیده بود که دسته ای از زنگیان مست پس از چندین شبانه روز خسته گی و شستشوی مغزی و دیدن فیلم های هالیوودی با کاپی ای مستهجن پاکستانی در دسته های از نوجوانان تربیت دیده و پرورش یافته که برای شغل « شریف آدم کشی » با جلیقه های انتحاری و با وعده های موهوم بهشت توام با چند دینار پیش پرداخت مجهز بودند برای به سر رساندن پروژه خونین تروریستی از راه رسیدن اما بی خبر از آنکه شاید در دام جوانان خودجوش و بی توقعی که برای حراست از بنای تاریخی مجلس شورای سابق ملی افغانستان و بزرگترین اما با دریغ و تأسف که نیرومند ترین مرکز دلالان و معامله گران امروزی افغانستان وظیفه یافته بودند یافتند .

<https://www.youtube.com/watch?v=qd3PqJFFYeU>

آورده اند که در قدیم و ندیم ها دربار سلطان اعلام کرد و جار زد **شیر** هرکسی که با **شیرم** به مسابقه پردازد دخترم که شهزادگی است به عقد صاحب **شیر** پیروز در می آورم بلاد رنگ وقتی مردی این اعلام دربار را شنید و حکایاتی از زیبایی و جمال شاه دُخت را نیز که درکوچه های شهر می پیچید

شنیده بود بلادرنگ اعلام آمادگی نمود و برای پادشاه پیغام فرستاد که **شیر** اش با **شیر** سلطان به مسابقه خواهد آمد ، سلطان با شنیدن این لیبیک به دعوت ، روز مسابقه شیران را تعیین نمود و به روز معین هزاران تن از شهریان برای دیدن و مشاهده مسابقه بینظیر و تاریخی شیران که به محضر پادشاه انجام می شد به محل مسابقه حضور رساندند . قبل از آغاز مسابقه دو تا **شیری** که باید با هم مسابقه دهند بروی صحنه ظاهر شدند و هر دو **شیر** برسم اعلام آمادگی مُم بلند کردند و مردم نیز غریو **شیران** را که چند لحظه بعد به مسابقه آغاز خواهند نمود با صدا های بلندی استقبال نمودند ، شیر سلطان قبل از آغاز مسابقه به سوی شیری که باید همراهش به مسابقه بپردازد نزدیک شد و با بو کردن آغاز کرد ناگهان دریافت که حریف اش **شیر** نه بلکه انسان است که در جلد **شیر** بازی در آمده و برسم مسابقه وی را به عقب کشاند **شیر** پادشاه که وی نیز انسان اما در جلد **شیر** به کشتن دیگر **شیران** مجبور ساخته شده بود با آرامی خطاب به **شیر** گفت که من هم انسانم اما مجبور گشته ام تا دیگر **شیرانی** که با من به مسابقه می آیند از پا درآورم ترا چه شده که با این وضع در آمدی ؟ **شیر** انسان نمای که رویا های ازدواج با شاه دُخت وی را به این جاکشانیده بود گفت که من را عشق شاه دُخت به اینجا رسانیده است و برای رسیدن به آن عشق مجبور به بازی شده ام



. اکنون حکایت جلیقه پوشان انسان نمای معاصر نیز که برای رفتن به بهشت از جاده دارالامان و با سربریدن های بیشماری از بی گناهان عبور میکردند همین گونه است . کسی که در جستجوی دالره های ناچیزی نگهبانی رجال و شخصیت های خواب برده رژیم مافیائی را بر عهده گرفته بود باکشتن چند انسان نمای دیگری که نه میدانستند این رجال نشسته در آنسوی دیوارهای زخیم که در گرد آن پنجره های آهنینی به مشاهده میرسند چه کسانی با چه انگیزه ای نشسته اند ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=0-gwRkb5B1E>

[اینجا برای حل مشکلات اساسی مردم تھی دست افغانستان اینگونه نشانه میگیرند !!](#)

زیراعقل و اراده انسانی اکثریتی از جلیقه پوشان انتحاری در یخدانی از فقر و بیسوادی ماه ها قبل درست آنگاه که روز های از کودکی و نوجوانی را در مغاره های کوه ها با دیدن فیلم های مستهجن و آموزش مختصر آدم کشی سپری میکردند منجمد ساخته بودند

<https://www.youtube.com/watch?v=ZsyB6S0xurw>

آنها ی که در رسیدن به بهشت موعود و حوریان زیبا و ماه رو در انتظار نشسته را نه میخواستند
بیش از این در انتظار بگذارند نخستین هدف شان پاکسازی خونین جاده ای بود که گویا با کشتن و
سربردن بی گناهان نزدیکترین راه به بهشت بود !!



و درپرتو این توهمات و خرافات بود که نخستین هدف نیز حمله بر پارلمان افغانستان تعیین نموده
بودند ، اما جوانی از تبار **مردم** که فقط چند روز قبل وظیفه نگهبانی را برعهده گرفته بود با کشتن این
راهیان بهشت شداد به قهرمانی رسید و شما خواننده گان ارجمند نیز تصویر زنده این حکایت را از
زبان سرباز عیسی آرمانی شنیدید و دیدید ، هرچند برخی از حسودان طماع حتی تحلیل گران منصف
نظامی و امنیتی این سناریو را خالی از پرسش ها نه میدانند ، اما به هر حال وقتی خبر این حادثه تهور
آور و شگفت انگیزی که داستان دلاوری یک سرباز را به نمایش می گذاشت به سرعت بینظیری در
شهر کابل و بالاخره جهان پیچید مسابقه تشویق و قدردانیهای مادی و معنوی از این سربازی که با
کشتن راهیان بهشت !! تازه به پله قهرمانی رسیده بود نیز کلید خورد ، کسانی که خود زمانی از
کشتار بی رحمانه مردم دریغ نه میکردند وقتی می بینند که برای شستشوی جنایات و کفاره گناهان
شان فرصتی بدست آمده است اگر برای آنها ی که برای شان کلید های بهشت موهوم !! وعده شده بود و
نتوانیستند به آن بهشت برسند و مورد استقبال حور بهشت قرار گیرند ، اکنون از کسی که با روحیه
قهرمانانه اما غیرمتعهدانه رزمی با دادن خانه ها و کلید های موثرمدل جدید با چنین شیوه بینظیری
قدرانی بعمل آوردند .

<https://www.youtube.com/watch?v=zg3CwSdNu0&feature=youtu.be>



فرمانده آلماس قهرمان راستین تاریخ !

اکنون که پروژه قهرمان سازی با جدیت و شدت ادامه دارد بدنیست داستان قهرمان راستینی را نیز از نظر بگذرانید که با دیدن صحنه های دل انگیز زندگی حماسی اش ناخود آگاه در دل هر انسان بخشی از سرودی را حک میسازد که سالها قبل در قلبهای فرد فردی از انقلابیون آزادی خواه فرانسه با شور و شوق شعله ور شده بود و همان شور و شغف مردم فرانسه سرود ملی کشور فرانسه را بوجود آورد. که بخشی از آن سرود چنین است :



و فرمانده الماس این عقاب کوه پایه های لغمان و کنریا همان ننگرهار بزرگ در یکی از شبهای تابستانی با حوادث غمبار آن شب چنین پنجه نرم میکند .

<https://www.youtube.com/watch?v=T6d4A0S6UCY>

این بود فراز کوتاهی از مقاومت یکی از دلیر مردانی که با همه غربت و افلاس برای دفاع از ناموس و عزت خانواده شریف و ارجمند اش در کسوت خانواده به حیث مجاهد راستین که برای تمامی مجاهدان واقعی در تاریخ وطن آبرو و عزت بخشید و با تمامی توان و قدرتی که در اختیار داشت بدون هرگونه توقع مادی و یاهم امتیازات معنوی مقاومت کرد ، شگفت انگیز است که هردوی از این قهرمانان با سرزمین مرد خیزی تعلق دارند که بسیاری از رجال شکوهمند تاریخ افغانستان را در

آغوش مجروح اش پرورش داده و به جامعه تقدیم نموده اند و به سرزمینی متعلق اند که از لحاظ تاریخی و تمدنی بسیاری آثاری از معرکه های حق و باطل را بر جا گذاشته اند، شاید این سوال در ذهن بسیاری از حق طلبان و مبارزان راستین راه آزادی و عدالت خطور کند



مردی که بنام نگهبانی از لشکر مفتخواران و رجال مافیائی رژیم غیر مشروع در افغانستان توظیف گردیده بود و برویت انجام وظیفه اش که دفاع از این عجائبات تاریخ بوده با از پا درآوردن مهاجمانی از خدا نا ترس برخلاف مصلحت عقلانی با اعلام تشویق های مادی و معنوی راه چندین ساله را یکشبه پیمود و لقب قهرمانی یافت و یاهم آن الماس برارنده ای گمنامی که در راه دفاع بالفعل از ناموس و شرافت خانواده اش چندین تن از جنگجویان داعشی صفت را به هلاکت رساند کدامین از این دو قهرمان بر دل مردم چنگ خواهد زد؟ شما بگوئید .!

